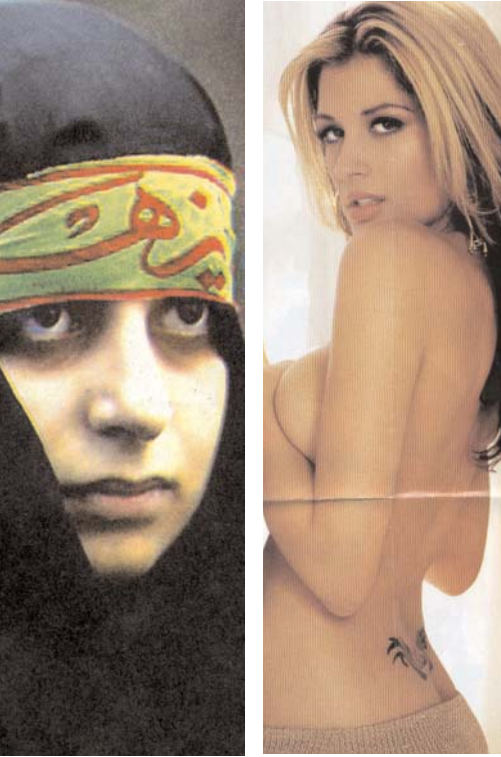


**رستوران جوان**  
 ۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار  
 از سه شنبه تا شنبه همه شب همراه  
 بایانوی هنرمند محبوب بیژن قادری  
**۵۵۵۵ - ۲۰۷ (۳۱۰)**  
 www.javanRestaurant.com

از انتشارات ایران چاپ  
**عصر امروز**  
 \$0.25  
 Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

**GENESIS**  
 اولین، باتجربه ترین، غیر قابل رقابتترین مرکز پذیرائی از سالمندان  
 همراه با صرف صبحانه و نهار با ورزش، تفریحات سالم، موزیک و شادی، مراقبت های پزشکی، یوگا، یک نیک، کلاس، انگلیسی، کامپیوتر و دهها نوع برنامه سرگرم کننده دیگر  
 رایگان تلفن اطلاعات ۷۴۷۵-۳۴۹ (۸۱۸) FREE  
 سال هفدهم - شماره ۲۸۶ جمعه بیست و سوم بهمن ماه ۱۳۸۲ (نشریه روزانه ایرانیان خارج از کشور) \*\*\* Fax: (818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com

Vol 17, No:3846, Fri 11 Feb 2005 Tel: (818) 783-0000 \*\*\* Fax: (818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com



**زن ایرانی: افراط و تفریط**

**امروز مشکل فعالیت اتمی جمهوری اسلامی یکسره می شود**  
 آخرین هشدار وزیر خارجه آمریکا به رژیم تهران و احتمال تحریم های سازمان ملل

**دریچه نیمه باز آزادی در عربستان سعودی**  
 نخستین تجربه انتخابات برای اصلاحات مبارزه با فساد و مشکل بیکاری

**برگزیدگان جشنواره فیلم تهران**  
 یک فیلم سینمایی برنده شش سیمرغ بلورین شد

**اخراج یک پناهجوی ۶۲ ساله از سوئد!**  
 او ۸ ماه در یک کیسه خواب در یک جنگل سوئد زندگی کرد!



**شور انقلابی راه پیمایان از هوای بهمن ماه سرد تر بود!**  
 تلاش فزاینده مسئولین برای برگزاری ۲۲ بهمن با شرکت ده ها هزار نفر برگزار شد

**ملک شمارا در ایران خریداریم**  
 آپارتمان - زمین - منزل و باغ شمارادر شهرهای تهران، مشهد و شمال خریداریم  
 ۵۱۵۱-۳۵۰ (۹۴۹) ۵۱۵۲-۳۵۰ (۹۴۹)  
 844-864

*La Valencia Jewelry*  
**جواهری لا والنسیا**  
 مجموعه منحصر به فرد از زیباترین جواهرات، برلیان و سنگ های قیمتی بمدریت هرمزاقبال  
 256 North Beverly drive Beverly Hills Ca 90210  
 Tel: 310-859-7915 www.lavalencijewelry.com  
 845-905

**یک خبر مهم از بازار تور کالیفرنیا، اولین مبتکر تورهای دستجمعی ایرانی**  
 ۱- تور کوشورزیای ایتالیا در ایام نوروز ۱۰ روزه ۱۹۵۰ دلار  
 ۲- تور ۱۰ روزه استرالیا ۴ شب درسیدنی و ۴ شب درملبورن  
 ۳- تور یک هفته ای پاریس (بایک شو در کاباره لیدو) ۱۷۸۰ دلار  
**همه تورها شامل هواپیما، هتل، هزینه ایاب و ذهاب، صبحانه و سینی تور می باشند**  
 تلفن اطلاعات ۸۴۸۴-۳۴۴ (۸۱۸)  
 اورنج کانتی ۲۵۱-۹-۲۵۱ (۹۴۹)  
 خارج از کالیفرنیا ۶۰۶۰-۹۰۲ (۸۸۸)

**قابل توجه دندانپزشکان و پزشکان عزیز**  
 دفتر و محل مناسب مطب به مساحت ۱۱۶۰ اسکوئیر فیت در منطقه آمریکائی و مکزیکئی نشین، کمتر از یک مایل تا فری وی ۱۰۵ واقع در رود یر بلوار در شهر رود یر برای اجاره آماده می باشد.  
 برای اطلاعات بیشتر لطفاً بین ساعات ۹ تا ۶ بعد از ظهر با شماره زیر تماس حاصل فرمائید.  
 ۳۳۵۰-۳۵۰ (۳۱۰)

**GREEN LEAF RESTAURANT**  
**رستوران برگ سبز**  
 رستوران برگ سبز با بهترین غذاهای ایرانی و مدیترانه ای در منطقه شرمین اوکس افتتاح شد. این رستوران آماده پذیرائی از شما و میهمانان شما می باشد  
 کیتترینگ و دلیوری تا شعاع ۳ مایل مجانی (تقاطع خیابان کستر و مگنولیا)  
 14929 Magnolia Blvd., Sherman Oaks, CA 91403  
**(818)386-9672**

**ثریا رسمی نماینده بیمه**  
 ارائه مناسبترین نرخ های بیمه : سلامتی - دندان - عمر - اتومبیل - تجاری - منزل و زلزله و نیز بیمه افراد ۶۵ سال به بالا  
 ۱۴۴۴ - ۶۰۰ (۳۱۰) ۷۳۱-۸۱۸۳ (۸۱۸)

**دزدگیر با وصل به پلیس و آتش نشانی**  
 دوربین مدار بسته و سیستم های حفاظتی  
**1-800-654-7799**  
 مشاور فارسی زبان 818-429-3331

**رستوران شمال**  
**باغذاهای لذیذ شمالی در ولی افتتاح شد**  
 میرزا قاسمی - باقالاتاقوق - کباب ترش - کله کباب زیتون پرورده و بلدرچین همراه با:  
 کباب کوبیده، کباب سلطانی، کباب برگ، جوجه کباب، ماهی و انواع خورشت ها  
**از ۲شنبه تا جمعه بوفه باده نوع غذا**  
 کیتترینگ و دلیوری تا ۴ مایل مجانی  
 برنامه آخر هفته با موزیک زنده (صدای جمشید و رقص عربی و قاسم آبادی)  
 19548 Ventura Blvd, Tarzana CA 91356  
 Tel: (818) 609-9988  
 10/26

**یکشنبه ها نان و تباب داغ کلات کاشر در "کاشر بازار" یادتون نره**  
 به مدیریت سعید  
**۶۶۶۶ - ۳۴۲ (۸۱۸)**  
 قیمت های مخصوص برای مدتی محدود  
 کباب کوبیده کاشر با نان و گوجه و سالاد ۳ دلار  
 جوجه کباب ۵/۵ دلار جوجه کباب یا استخوان ۵ دلار  
 کوبیده جوجه ۳ دلار  
 آدرس: ۱۸۴۶ رسیه ایلوار در شهر سیدنا

**رستوران شیراز**  
 جمعه و شنبه شب ها "وحید" با صدای گرم و دلنشین شادی بخش شما و مهمانان عزیزتان خواهد بود  
 سبزی خوردن، ریحان و دلیوری مجانی  
 15470-2 Ventura Blvd  
**(818)789-7788**  
 دلیوری مجانی تا شعاع ۲ مایل

# آخوندها در آستانه سقوط هم در صدد جهانشمولی و صدور انقلابند!

## حرفهای روز



از: عباس پهلوان

تلفن مستقیم سردبیر ۲۸۴۶-۷۸۳ (۸۱۸)

### تأسیسات اتمی زیرکوهی!

داستان فعالیت اتمی (و یا آن چه غربی ها و به اصرار آمریکا) مع گریز کرده اند: «تولید بمب اتمی» از سوی حکومت جمهوری اسلامی به مسئله خنده داری کشیده شده و از همه طرفش کمدمی تر، این بود که حجت الاسلام حسن فریدون روحانی رئیس هیئت نمایندگی مذاکره اتمی با اروپا و دبیرکل شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، گفته است اگر از پیش فعالیت غنی کردن اورانیوم با اتمی اینها مورد تهدید قرار بگیریم، ما همه تأسیسات اتمی خودمان را می بریم زیر کوه.

حکایت آن یاروست که به رفیقش می گفت: اگر یکی تو دست من چپه، هر پنج تا آب نبات رو می بخشم بتو! واقعیت این که جمهوری اسلامی در چندین و چندتری زیرزمین چند شهر که بتون آرمه ساخته است (در تنزن، اراک یا اصفهان) ولی این که واقعاً تأسیسات خود را زیرکوه بزند، حسن روحانی ساده لوحانه مستور کرد، فیلم معروف جیمز باندی «گلدفینگر» است که مرد شرور فیلم همه تأسیسات موشکی و اتمی اش برای تسخیر دنیا را به زیر صخره های کوهدر در جزیر ماندنی میان آب برده بود!

به قول حضرت اجل سعدی:

توان به حلق فرو بردن استخوان درشت / ولی شکم به درد چون بگیرد اندر ناف /

از ادعای رئیس شورای امنیت ملی (که متلاً لا پویشانی هم کرده) مستخره تر سخنان فیلسوف شان، حضرت رئیس جمهور است که نامبرده را هم به دری وری گفتن و رجز خوانی کشانیده اند و او نیز همه ای این شرط شروط های آمریکایی و اخیراً انگلیس ها را سایر کشورهای اروپایی را «جنگ روانی» خوانده با هدف این که: بر شکست ها و اقتضاحات جنگ طلبانه خودشان، سرپوش بگذارند!

در حالی که این حرف درست و اساسی است (حتی تهدید) که اگر به غنی کردن اورانیوم به هدف تهیه بمب اتمی ادامه دهید و تأسیسات اتمی را بر نیندازید! ما ترتیب آنها را می دیدیم! این دیگر: جنگ روانی» نیست؟! زک و راست آنها تأسیسات اتمی ایران را می زنند و بعد هم خرمرد و کرایه یاطل! لااقل این پند سعدی باید در گوششان باشد: هر که با پول، با زور و پند، با سود مسکین خود را رنج کرده، خاتمی در ادامه لاطنات خود گرگری خوانی را به حرف های جنون آمیز می کشاند و می گوید: اگر این «جنگ روانی» بیش از این گسترش یابد یا تهدیدهای اخیر علیه ایران به واقعیت بپیوندد، ایران (جمهوری اسلامی) نیز روش و گفتار خود را تغییر خواهد داد و چنین تغییر به نفع هیچ

# انقلاب مردمی، بدون اطلاع مردم!



آورد. اما من قدمم اینست که بگویم که به نحوی غیر قابل تصور، تقریباً همه ی بزرگان مملکت می دانستند که روزی در آن مملکت «انقلاب» رخ خواهد داد! این نگرانی تقریباً همیشگی بزرگان مملکت بود! حالا چرا با وجود این که این موضوع را پیشاپیش می دانستند، اما نمی خواستند یا نمی توانستند و یا شرایط اجازه نمی داد آن را که انرا بر زبان آورند. موضوعی است که هنوز از آن سر در نیاورده ام و در واقع مسئله همیشگی افکار من است چرا وقتی من می دانم سقف خانه ام در حال فرو ریختن است، چاره ای برای آن نمی اندیشم؟! اوایل که عصر امروز انتشار می یافت، در یکی از این خاطرات گونه های نوشته، فلان روز، صبح زود، در کاخ صمار که منزل اردشیرخان زاهدی (که پادشاه به خیر باد مرد نازنینی است که وفاداری به مملکت را از پدر به تمامی به ارث برده و من باید روزی در باره او بنویسم) در غیاب اردشیرخان، با چندتن از بزرگان مملکت کنار استخر صبحانه می خوردیم. چند باغبان مشغول جارو کردن برگ ها، در آن پائین بودند (استخر و ساختمان در بلندی قرار داشت و باغ گسترده در زیر) یکی از همان بزرگان با من صحبت گفت: «فلانی این باغبان ها را می بینی که مشغول جارو کردن برگ ها هستند، یک روز با همین جاروها ما را از این باغ بیرون می اندازند و جای ما خواهند نشست، خواهند

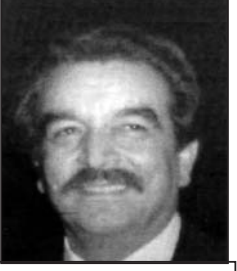


پرویز قاضی سعید

سی شش سال پیش، هنگامی که جوانی سراسر انرژی و جوش و خروش بودم (بی باده غرور در دستم) ضمن این که نویسنده نشریات مختلف مؤسسه اطلاعات بودم، چند شغل در واقع پنهانی داشتم که جز حلقه نزدیکی از دوستان و جز خدا رحمتش کند رئیس ساواک تهران (با به وظیفه اش هیچکس دیگری از آن مطلع نباشد. مثلاً نقی های رسمی بعضی از شخصیت های مملکتی می نوشتم. مثلاً مکاتباتی را که بعضی از صاحبان صنایع بزرگ و مدیران اقتصادی باید با «دفتر مخصوص» پادشاه فقید انجام می دادند، به رشته تحریر آوردم. یا در پاره ای از تبلیغات مملکتی، نظر مشاورتی می دادم. تا امروز هوایمایی ملی ایران «هما» در سطح جهان، به وفات با شرکت های بزرگ مانند (بی. او. سی) سابق که متعلق به انگلیس ها بود، بریزد، افکار این ناچیز بود که در صحن جهانی به ستیز برخاست و با باز برای مثال وقتی همین بی. او. سی. تصمیم گرفت از نام جدید خود «بروش آیرویز» استفاده کند، طرحی که من برای شروع کار برایش آیرویز دادم از میان کله طرح های که از گوشه و کنار جهان گردآوری کرده بودند، برحله اجرا در درین زمینه موضوعات بسیار است. از جمله در رابطه با هفتمین سال انقلاب سفید شاه و مردم کا بهار کارهای دیگر...

روحش را شاد بدارد تیسار خسرو داد که یک پایش هم شکسته و در سج بود (گویا چند روز جلوتر در یک مانور دریایی، در حضور پادشاه فقید از هلیکوپتر جوی پای پادشاه فقید روی عرشه کشتی پائین پریده بود که موجب شکستگی پایش شده بود) از حرف رفیق مشرکمان با صدای بلند خندید و گفت: «مگر آن روز من زنده نمانم!» موقفی که در اوایل انتشار عصر امروز این خاطره را نوشتم تیسار علی اکبر فرزانی که هم اکنون در لس آنجلس زندگی می کند و خداوند او را سلامت بدارد و اخیراً هم کتاب خواندنی «ناگفته ها و ناشنیده ها» از او انتشار یافته، به تحریک بعضی از بد خواهان (شاید) به مقامی که من از او نقل قول کرده بودم تلقن کرد تا صحت و سقم نوشته مرا جویا شود. آن مرد هم در کمال بزرگواری به تیسار فرزانی گفت هر چه فلانی می نویسد در کمال صداقت و درستی می نویسد که همین تلقن از قضایای روزگار موجب نزدیکی میسر من و تیسار فرزانی را فراهم آورد. اما فقط همان یک مورد نبود که یک مقام مهم در بار، سخن از انقلاب می گفت. آتمم به این نوع که این باغبان ها بزودی ما را از این جایی بیرون می اندازند و خودشان جای ما می نشینند. خاطره دیگری نقل کنم و بروم سر نتیجه گیری. روزی که کارخانجات ایران ناسیوال بخش کوره موتورسازی را می خواستند افتتاح کنند

# از اقیانوسی آرام تا یک لحظه سکوت...



محمد سعید حبشی

شانه نژاد بشر، نژاد دیگری از موجودات گام بر می دارد، نژاد تا بشرها، نژادی در لباس سیاست و هنر که به پیروی از انگیزه هایی غریب و ناشناخته، توده بی جان بشریت را می گیرند و با یک شور هیجانی که در آن می دمند، این خمیر بی روح و وارفته را به نان بدل می کنند. نان را به شراب، و شراب را به ترانه و سخن، از بقایای مردگان، تقاله هایی می آفرینند که ظاهراً همه را می آید. این نژاد، کائنات را

# بازگشت همه بسوی خداست

بدینوسیله درگذشت ناگهانی آقای دکتر علی افتخاری صاحب منصب عالی رتبه وزارت بهداشتی را به اطلاع فامیل و دوستان و آشنایان می رساند.

مجلس خاکسپاری در ساعت ۸/۳۰ صبح شنبه ۱۲ فوریه در هالیوود هیلز فورت لاون مموریال پارک برگزار می شود و مجلس ترحیم و یادبود آن فقید سعید همان روز ساعت ۱۲ ظهر در بنیاد ایمان خواهد بود.

شرکت سروران ارجمند موجب تسلی و تشکر با زماندگان خواهد بود.

خانواده های افتخاری - بیاضائی - عسگری - ارم بخش - امیر شاهی و خانواده های وابسته

# وودلند هیلز مارکت

رب کوجه تورکمک شیشه ای ۲EOZ	۹۹ سنت
روغن زیتون خالص ۱۷OZ	۲.۹۹ دلار
روغن زیتون پوماس ۱ لیتری	۳.۳۹ دلار
سبب بیسی گالا	۵۹ سنت
پیاز قهوه ای ۱۰ پانده	۹۹ سنت
سبب زمینی کبسه ای ۱۰ پانده	۹۹ سنت
پوتقال آبگیری ۳ پانده	۹۹ سنت
پوتقال درشت ۳ پانده	۹۹ سنت
کاهوی رومین	۹۹ سنت
کوبیده مرغ	۲.۲۹ دلار
فیله مینون	۴.۹۹ دلار
کم شلدر کوسفند	۲.۷۹ دلار
کباب کوبیده ، جوجه کباب	۵.۹۹ دلار
شیش کباب	۶.۹۹ دلار
سبزی پلو با ماهی سفید (دو تکه)	۷.۹۹ دلار
کباب نان و ریحان و گوجه فرنگی و لیمو ترش)	
هر روز یک غذای مخصوص شامل لوبیا پلو، زرشک پلو با مرغ، آبپلو پلو با باقالی پلو با ماهیچه فقط ۵.۹۹ دلار	
سلاخها - ماست خیار - ماست اسفناج - ماست موسیر - ماست خیار یونانی با ماست چکیده	
سبزی پلو با ماهی قزل آلا یک ماهی کامل بدون تیغ ۶.۹۹ دلار	
ساعات کاری : یکشنبه ۹ صبح تا ۹ شب	
بقیه روزها ۸ با ماداد تا ۹ شب	
آدرس : ۱۹۹۱۴ ونورا بلوار در شهر وودلند هیلز	
۸۱۸-۹۹۹-۴۴۷۷	

دریا، چه عظمتی دارد و چه آرام بخش است! شاید به این دلیل آرامش می دهد که هر وقت در کنار آن می ایستم، بیشتر از هر زمان دیگر به کوچکی خودم در برابر طبیعت پی می برم.

زمانی فکر می کردم انسان بودن می تواند والاترین هدف آدمیزاد باشد. اما امروز می بینم که این تصور خانه خراب کرده است.

به دریا که نگاه می کردم ناگهان این کلمات «هنری میلر» در نظرم شکل گرفت و مرا به خود آورد.

اگر انسانی فکر نمی کردم، حالا در مملکتم بودم و یا خانه و زندگی و حقوق بازنشستگی یک تماشاچی دارا و بی آزار بودم.

در غربت هم اگر به دنبال دلم نبودم و به جای قلم زدن زمین های «مک دونالد» را می شستم بعد از ۲۵ سال حداقل یک «مک دونالد» می نوشتم و انجام می دادم، تا کزیر در جلای شرت می جستم، وارد مباحثی شدم که برای نوشتن سخنرانی مورد نظر و یا نامه حساس به دفتر مخصوص در واقع توجه شوم. موضوع در دریایم. اطراف و جواب کار را به سبج و سپس بروم و در خلوت آنچه را که توجه شده و دریا فته بودم، روی کاغذ آورم.

در این میان یک شانس بزرگ (برخلاف بدشانسی های روزگاران غریب داشتم) که میان آن دولتمردان و آن صاحبان صنایع این گونه شانس شده بود که من به اصطلاح «خوش آرزو» (یا «خوش قدم») چرا که به ظن آنها، هر آنچه را که من نوشتم، بی چون و چرا مورد تصویب قرار می گرفت و تیر به هدف می خورد. همین شانس به قول قدیمی ها نان مرا در روغن انداخته بود و تقریباً تمامی ساعات روزم را می پوشاند. بگفته ای که می بایست چهار پنج میخ کار بکنم و گفت و گو های گوناگون را آغاز می کردم و یا نیمه شب ها به کارهای مورد علاقه شخصی ام مثلاً قسه نویسی پردارم. از آن آیم و از آن روزگاران خاطرات متعدد جالبی در ذهن من باقیمانده است. از اختلافات مقامات مملکتی، از زد و بندها، از خلق و خوی مدیران مملکت، از طرز تفکر مدیران اقتصادی، از ماجراهای جالبی که روی داد که هر کدام به نوبه خود، بسیار شیدنی و اندیشیدنی است و در ضمن ریشه های چرایی روزگاران فعلی ما را در زمینه های گوناگون روشن می سازد. اما چرا امروز باز کتم به سی و شش سال پیش و یاد آن روزگاران یرت و تاب و پیر کش! صرف نظر از این که این عادت ثانوی همه انسان هاست که در ایام فرو افتادن، یا یاد روزگاران بلندپرواری ها دلخوش می دارند. مثل آدم پیاده ایی که دائم خواب اسب می بیند (در قدیم ها) و یا آدمی که این روزها در صف اتوبوس ایستاده است برای آن روزهایی که سوار بر اتوبوس شخصی از جلوی صف اتوبوس ها می گذشت، آه حسرت از دل بر می

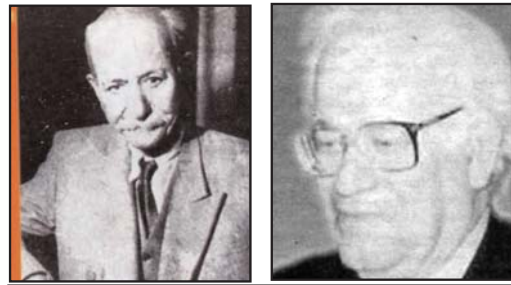
بقیه در صفحه ۷

مدیر: هاینویش ژاد سردبیر: عباس پهلوان Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679

IRANIAN PUBLISHING INC. ASRE EMROOZ.com 16661 Ventura Blvd#212 Encino, CA 91436 Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 www.asremrooz.com

عصر امروز ASRE EMROOZ

یادداشت‌های بی تاریخ



فکری برای این حرفه بی قدرشناسی بی جیره و مواجب ما...!

دوست دیرینه سال‌های سال من، ایرج گرگین یک روز از من دعوت کرد که برای صرف ناهار به رستوران تلویزیون ملی ایران بروم. سال ۱۳۵۲ یا ۱۳۵۳ بود. آنجا که رسیدم معلوم شد مجلسی است که بسیاری از اکابر گردنکشان قلم در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون به آن مهمانی فراخوانده شده اند و یک فکر بکر و برجسته ای که در ذهن این دوست من بوده سبب برپایی مجلس شده است و بنده را هم نه به اعتبار سوابق همه مدرسه ای بودن که به اعتبار مسئولیتی که در دانشکده ارتباطات بر عهده ام بود به مهمانی دعوت کرده اند.

صحبت از تأسیس یک جایزه روزنامه نگاری بود به نام «جایزه دهخدا» که هر سال در رشته های مختلف به اهل این حرفه داده شود. انصافاً هم فکر و هم نام جایزه بدیع بود. بعد از ناهار صحبتی شد که چند و چون این کار چطور باشد؟ در چند رشته جایزه داده شود؟ و ضوابط انتخاب نام‌دهای جایزه چه باشد؟ شاید یکی از خوشحال کننده ترین روزهای زندگی من آن روز بود که دیدم بلاخره برای این حرفه بی قدرشناسی و بدون جیره و مواجب ما هم یک فکر شده است و اگر جایزه سلطنتی بهترین کتاب، بهترین ترجمه، بهترین مؤلف بلندتر از قامت کوتاه روزنامه نویسی هاست لاقلاً جایزه «دهخدا» که صوراسرافیل صدای بیداری در نزد تمام خفتگان تاریخ معاصر بوده است، حد و مرزی را هم برای ما معین می کند. اما... نمی دانم چه شد که آن جلسه میهمانی ناهار که آقای قطبی و معاونانش مهربانانه از ما پذیرای کردند ختم و فکر به دست فراموشی سپرده شد. اسم دهخدا اسم مطلبی نبود؟ نمی دانم. روزنامه نویسی کاری نبود که بابت آن به کسی جایزه بدهند؟ نمی دانم. خطی که روزنامه نویس را از جیره خوار موظف جدا کند، وجود نداشت؟ خطی دانم و هزارها هزار از این نمی دانم ها برای من همراه سئوال‌ها باقی ماند و گذشت.

وقتی آدم اینجا، دیدم که نه خیر، اینجا روزنامه‌ها هستند که جایزه می دهند. جایزه پولیتزر که معتبرترین جایزه ادبی ایالات متحده است به حمایت روزنامه‌ها بر پا شده و حالا روزنامه‌ها و روزنامه نویس‌ها رقابت می کنند که هر چه بیشتر، جایزه پولیتزر را درو کنند. هفتی پیش که خبر ایجاد روزنامه نگاری دکتر سمسار به دستم رسید، بار دیگر بیرونه سر آتش شوقی در دلم زبانه کشید. چه خوب است که این جایزه با یاد مرد سلیمی که برتر از خویشاوندی با من، دوستی یکرنگ و مهربان برابم بود، پا بگیرد. هنوز نمی دانم که طرح این جایزه چگونه است. اما هر چه باشد هر جور که باشد بر پا کردن آن همت بزرگی است. ارج نهادن به حرفه ای است که کارش ارج نهادن به آدم هاست و آگاه کردن بی خبران از جهان و آنچه در اوست.

یک نگاه به تاریخ مطبوعات ایران نشان می دهد که روزنامه از روز به وجود آمدنش جز این که مرغ حق باشد و از گلویش در هر سینه دم یک قطره خون بچکد چیزی بیش نبوده است.

در این دوران انقلاب بشکوهمند، مانند ادوار پیشین هم ردیف‌ها و هم قلم‌های من بیشترین قربانی را داده اند و حالا وقت آن است که از یک مصاحبه گر، یک گزارشگر، یک تهیه کننده خبر، یک مقاله نویس، یک صفحه بند، یک کوشنده در راه افشای حقیقت تجلیلی بشود، یک تکه کاغذی، یک لوحه ای، یک مدالی به او داده شود و چه بهتر که این جایزه به نام دکتر مهدی سمسار باشد که همیشه با صداقت به همه همکاری‌اش نگاه می کرد و به آنها امید باز هم نوشتن می داد.

در میان یادداشت‌های اینگونه دنیا که در روزگار تو می نوشتم شاهدهی از غیب یافتم در حقانیت حرفه ای که ما عمری را بر سر آن گذاشته ایم. این حرف یک غول است که ادبیات را با روزنامه نگاری آغاز کرده است.

(ادامه دارد)

غزل روز مشفق کاشانی

به بوی آن که نسیمی کند ز موی تو مستم شب فراق به راه نسیم صبح نشستم به پای دام محبت، ز عمر رشته الفت در آرزوی تو بستم، به گیسوی تو گسستم هوای زلف سیاه تو، ساخت حلقه به گوشم خیال گردش چشم تو، کرده باده پرستم جهان به روی تو دیدم، نظر ز غیر بریدم جدا ز روی تو گر دیده باز کردم و بستم ز دست رفتم و از کوی دوست پا نکشیدم ز پا افتادم و دامان او نفرت ز دستم به مرغ خواب، در آشیان چشم گشودم چو در هوای تو، در خلوت خیال نشستم به قهر، از سر پیمان گذشتی و نگذشتی به خشم، عهد مودت شکستی و نشکستم

کذری و نظری

استراق سمع!

در سال ۱۳۵۵ در لندن در رستورانی ناهار می خورد. لندن شهر عجیبی است از هفتاد و دو ملت و از چهار نژاد سفید، زرد، سرخ و سیاه در آن جمعیت می لولد. در میان آن همه چهره های بیگانه و ناشناس ایرانیان زیادی هم حضور داشتند که برای خرید و گردش به لندن آمده بودند.

اما من کمتر آنها را می دیدم زیرا برای یک سفر اداری رفته بودم و اغلب اوقات خود را در یک مؤسسه فرهنگی برای انتخاب فیلم های مستند و تاریخی ایران می گذراندم. روزی در رستورانی دو زن ایرانی سالمند را دیدم که سخت سرگرم گفت و گو با هم بودند به گویش گیلانی صحبت می کردند.

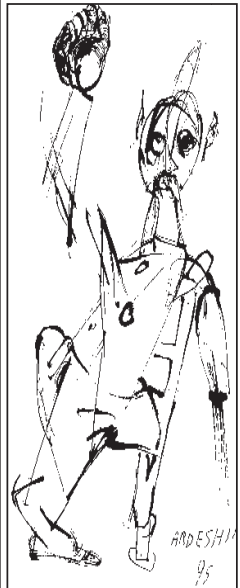
من گوش تیز کرده و حرف های آنها را نه با گوش هایم بل با جانم می بلعیدم. نمی گویم می شنیدم. عرض می کنم می بلعیدم. زیرا قسمتی از ریشه خانوادگی من گیلانی است.

آن دو خانم با هم حرف می زدند، به صدای بلند، به لهجه گیلکی و من لذت می بردم. کیف می کردم که صدای هم میهنم را می شنوم. به یاد گیلان و ایام کودکی و باران صیباگاهی و شبنم درخشان روی برگ درختان منزل پدری بزرگ مادرم افتاده بودم، به یادمه گیلان، به یاد امواج خروشان دریای مازندران، به یاد جنگل‌ها و بیشه های گیلان. یکی از خانم‌ها متوجه من شد. احساس کرد که من به سخنان آنها گوش می دهم به دوستش که خانم ۷۰ ساله ای بود گفت: این آقا را نگاه کن انگار ایرانی است!

این جمله را هم به رشتی گفتم. من خندیدم و تأیید کردم اما نتوانستم

به گیلکی پاسخ بدهم، زیرا گیلکی را می فهمم اما قادر به تکلم بدان با آن ریزه کاری هایش نیستم. خانم‌ها خوشوقت شدند و مثل هر ایرانی به ویژه هر گیلانی در غربت بنای احوالپرسی را گذاشتند و حتی از تبار خانوادگی من هم سر در آوردند. پرسیدند: چرا این قدر به دقت به سخنان ما گوش می دادی؟ ضمن عذرخواهی از استراق سمع کودکانه ام عرض کردم که به گذشته بازگشته بودم و در جست و جوی سال‌های خوش کودکیم بودم. ملاحظه می فرمایید من این احساس را نسبت به ایران و شما هموطنان عزیز خود دارم. حال قضایات کنید وقتی شرح این همه جنایات و زن کشی و بیجه کشی و شوهر و خواهر و مادر و پدر کشی در جایرد را می خوانم چه حالی به من دست می دهد.

خسرو معتضد - تهران



شعر معاصر

خاطره حجازی

چراغ من شدی وقتی به من آمدی، گردبادم را نوازش کردی. جاده هایت را، به دوردست هایم کشاندی. معلم بوسه هایت را به دهکده های محروم فرستادی وقتی اولین روز مدرسه، گریه می کردم، تو دست غریبم را گرفتی و گوشه کنار دنیا را، نشانم دادی. گفتم: همه استعداد عاشقی دارند، یاد موافق باش و بادبان هاشان را، آبیستم کن!

و تو چراغ من شدی. تو یادم دادی صلح را بنویسم. تو به طعم زیتون، عادتم دادی. کبوترم کردی. تو نوشتی: بامداد آبی، وسعت.

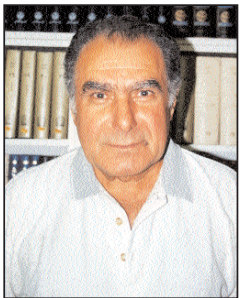
نصرت رحمانی

بازی! تنها آنها که مرده اند از مرگ نمی ترسند چون من که بارها مردانه مرده ام تا بوقت خویش را هم عمر پر دوش برده ام. بازی کنیم از باختن نهراسیم پیروزی است باخت. دیگر - هر است گلوه ای قرض مسکنی است بازی کنیم...

ذره ام، ذره ام ای مولا...!

اشاره - این نیایش ستایش آمیز را، در سال های دیر و دور که کنگره ی مولا نا در شهر آنکارا و قونیه به ریاست زنده یادان خانم آنا ماری شیمل شرقشناس معروف آلمانی و دکتر پرویزخانلری، برگزار شده بود، دوست شاعر و معلم گرامی ما محمد عاصمی و ترجمه ی ترکی آن را «ادرهاان چکیچ» شاعر ترک خواندند و از آنجایی که بسیار گیرا و مؤثر بود، در قونیه، برمرز مولا نا نیز آن را تکرار کردند. یاد آن روزگار و آن روزگاران فرخنده باد.

«ع - پ»



پیش آییم / که تو را شایدا / که گلستان سمن سای تو را بایدا / تو بر آن بودی ای آیت آیت ها / که جهان رنگ صفا گیردا / که زمین تا به ثریا رود و عشق بقا گیردا / عشق در دایره ی کون و مکان رسم وفا گیردا / مردی وادی پا گیردا.

تو بر آن بودی ای چشمه ی دریاها / ای همه موج و همه موج و همه موج و همه غوغا / که خدا، عشق است/عشق، سازنده ی بالاهاست / عشق، مولا ی تولاهاست/همه را سوخته جان بایدا / جان دلباختگان بایدا / سوزش و سوزش تو بر آن بودی ای نور همه انوار / فارسی را به نکوتر سخنی سالارا / که: من عشقم همه عشقم همه عشقم / همه دریای سرشکم همه اشکم همه اشکم / همه جوشم همه موجم سر دریای تو دارم سر آفتاب دارم / نه ششم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم / جو غلام آفتابم همه ز آفتاب گویم /

در نیستان تو، ای نای هزار آهنگ / ای برآرنده ی صد نغمه ی رنگارنگ / ای برآرنده ی فرخارترین اورنگ / ای خداوند خداوند خدائی چنگ / به تمنای چه پیش آییم / که تمنای تو خود غرق تمناهاست / با چه عشقی به تور و آرم / که همه عشقی و عشق از تو به غوغا هاست / تو همه نوری / تو همه شوری / شور نور از تو پذیرای هزار آواست / با کدامین دل سودایی / سر به دامن تو بگذارم / کز تو سودایی سوزاد، افسونی صد سوداست /

ای همه راز مجسم / ای همه عشق مسلم / ای تو بی رنگی مطلق / ای تو عذرا و تو واقم / عاشق عشق و پریشان پریشانی / عاقل و مجنون و هوشیار و مست

تو چنین گفتمی / تو چنین خواندی / تو سمند سخن نغمز چنین رانندی...

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

در نیستان تو ای نای هزار آهنگ / به تمنای چه پیش آییم / که همه ذره ام و خاکم که همه مستم و تا کم همه در خویشم و بی خویشم همه در کیشم و بی کیشم همه در نورم و بی نورم همه در شورم و بی شورم همه فریادم و خاموش همه در جوشم و بی جوشم ذره ام ذره ام ای مولا ای گدازنده ی خورشید تولاها در نیستان تو ای چنگی چنگ آور / با چه قلبی و چه عشقی و چه شوری / با چه سودائی و پروائی و نوری / با چه دی ماه ۱۳۵۲

دکتر حسین اشراقی

استاد دانشگاه تهران و دانشگاه UCLA دارای بورده تخصصی از آمریکا تشخیصی و درمان: پولیب و سرطان روده بزرگ، زخم معده و اثنی عشر دردهای شکم، بواسیر، بیماریهای کبد و کیسه صفرا اندوسکوپی معده و روده ۷۰۷۰-۵۰۰ (۸۱۸)

دکتر جمشید آصف

جراح دندانپزشک متخصص در دندان پزشکی زیبایی و ایمپلانت با بیش از ۲۷ سال سابقه عضو انجمن دندان پزشکان امریکا زیبایی دندان شامل برسن، باندینگ، روکش های چینی و نیر برسن، کرواوان برنج روت کانال معالجه ریشه دندان پلیچینگ سفید کردن دندان های بد رنگ بدون استفاده از روکش و باندینگ جراحی: کاشت دندان و پیوند استخوان، کلیه جراحی های دندان، دندان های نهفته و عقل، جراحی و درمان بیماری های تنه انجام کلیه خدمات دندان پزشکی با همکاری متخصصین با رعایت کامل و دقیق استریلیزاسیون برای افرادی که بیمه می توانید به صورت اقساط ماهیانه بپردازید

۱۶۶۶۱ بلوار ونچورا سوئیت ۴۰۱ انیسینو کالیفرنیا ۹۱۴۳۶ تلفن: ۸۸۲۳ - ۷۸۹ (۸۱۸)



# مشرق از لابای مطبوعات

## عوارض شهری از خارجی ها!

شورای شهر تهران از سال ۱۳۸۴ از اتباع بیگانه نیز عوارض خدمات شهری دریافت می کند. بر اساس مصوبه این شورا یک تبعة خارجی ۷۰ هزار تومان، خانواده ۲ نفره ۱۰۰ هزار تومان، خانواده های ۳ و ۴ نفره ۱۵۰ هزار تومان و چهار نفره به بالا ۲۰۰ هزار تومان عوارض بدهند.

## حکم اعدام برای زیر ۱۸ سال ها

یک وکیل دادگستری گفت: در حال حاضر در کانون اصلاح و تربیت رجائی شهر حدود ۳۰ نفر افراد زیر ۱۸ سال وجود دارند که برای آنها حکم اعدام صادر شده است.

## غذاهای ایرانی

۱۰۷ غذای ایران در فهرست «Fast Food» قرار گرفت شیرازی دبیر علمی جشنواره بین المللی غذا گفت: تحقیقات نشان می دهد، ایرانیان نخستین مردمی بودند که به طبخ غذا پرداختند. آش، سوپ و میرزا قاسمی با چهار هزار سال قدمت نشان از تمدن ایرانیان دارد. ابتدایی ترین غذاها از گیاهان تهیه می شد و از روغن گیاهی برای طبخ استفاده می کردند این غذاها حاوی مقداری هیدرات جربی، فیبر و پروتئین هستند.

شیرازی خاطر نشان کرد: در ایران ۲۲۰۰ گونه غذا شناسایی شده که این نوع در دنیا بی نظیر است. از این مقدار حدود ۴۰۰ غذا به عنوان زیرگونه و ۱۸۰۰ غذای مستقل وجود دارد. طی تحقیقاتی که مؤسسه علمی پژوهشی غذا انجام داد، ۴۸۰ گونه غذا به روش اشتباه طبخ می شود آب گوشت یکی از آنهاست که به خاطر چربی حیوانی مضر شناخته شده است. این مؤسسه تاکنون ۴۸۴ نوع غذای کاملاً ایرانی را شناسایی کرده و دستور پخت استاندارد و آنالیز ترکیبش را پیدا کرده اند.

## تخلفات و نابودی تدارک

برخی از مسئولین وزارت جهاد کشاورزی در صدد هستند، با تخللات سازمان چای مدارک تخلفات خود در این سازمان را از بین ببرند. جمعی از کارکنان سازمان چای کشور در نامه ای به مسئولین نوشته اند که برخی از مسئولین وزارت جهاد کشاورزی با سیاست های نادرست موجب فروش نرفتن بیش از ۲۰۰ هزار تن چای داخلی شده اند و از آنجا که به این نتیجه رسیده اند که بالاخره روزی از آنان بابت این سیاست های غلط بازخواست خواهد شد، قصد دارند با انحلال سازمان چای مدرک جرم خود را از بین ببرند. نویسندگان نامه معتقدند از آنجا که اساسنامه سازمان چای در مجلس به تصویب رسیده و به عنوان قانون ابلاغ شده، برای انحلال آن نیز نیاز به تصویب مجلس می باشد.

# شور انقلابی راه پیمایان از هوای بهمن ماه سرد تر بود!!

دهها هزار نفر از مردم ایران با وجود برف و سرمای شدید در راهپیمایی سالگرد انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ شرکت کرده اند.

دولت مردم را ترغیب کرده بود که برای نشان دادن حمایت خود از برنامه هسته ای کشور و در مقابله با فشارهای تحت رهبری آمریکا در این راهپیمایی شرکت کنند.

راهپیمایی اسامال در شرایطی انجام گرفت که شهر تهران سردترین روزهای خود را طی چند دهه گذشته سپری می کرد و مردم زیر بارش شدید برف به سخنرانی محمد خاتمی گوش فرا دادند.

محمد خاتمی، طی سخنرانی در میدان آزادی با اشاره به مطرح شدن امکان حمله نظامی به ایران از سوی آمریکا هشدار داد که اگر پای متجاوز به این کشور برسد، ایران چمنی سوزان برای متجاوزان خواهد بود.

رئیس جمهور آمریکا حکومت ایران را بزرگترین حامی تروریسم در جهان خوانده و در عین حال به مردم ایران اعلام کرده است که اگر برای کسب آزادی از این حکومت ایستادگی کنند در کنار آنان خواهد ایستاد.

آقای خاتمی در سخنرانی خود در پاسخ به این اظهارات گفت: در سایه انقلاب اسلامی ما، اعتراض و اختلاف هست و یکپارچگی سلیقه نیست، اما این همه اختلاف و حتی

اعتراض نه بر سر ارزشهای انقلاب، که بر سر نحوه اداره بهتر کشور و برای رسیدن به آرمانهاست؛ در برابر تجاوز و تهدید، ملت ایران متحد و یکپارچه اند.

رئیس جمهور ایران در بخشی از سخنان خود لحنی انتقادی برگزید که به طور غیرمستقیم متوجه محافظه کاران بود.

وی گفت: همه و مسئولان بدانند ما اگر مردم را آن طور که هستند نبینیم و بر حسب مصلحت خود آنها را مرزبندی کنیم، از راه امام (آیت الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی) دور شده ایم.

رادیو بی بی سی می گوید: آقای خاتمی و دیگر مسئولان ایرانی تاکنون بارها هشدار داده اند که اگر نیروهای بیگانه به خاک ایران وارد شوند این کشور را به جهنمی برای آنان تبدیل خواهند کرد. این در حالی است که احتمال تحریم اقتصادی بین المللی علیه ایران بیش از حمله نظامی مطرح است و حتی در مورد برخورد نظامی نیز، آگاهان معتقدند که چنین برخوردی در قالب حمله هوایی یا موشکی بسیار محتملتر است تا اشغال نظامی اما مسئولان ایرانی دقیقاً مشخص نکرده اند که چنین حملاتی را چگونه پاسخ خواهند داد یا با تحریم اقتصادی چه برخوردی خواهند کرد.

# امروز مشکل فعالیت اتمی جمهوری اسلامی یکسره می شود آخرین هشدار وزیر خارجه آمریکا به رژیم تهران و احتمال تحریم های سازمان ملل متحد

وزیر خارجه آمریکا به ایران هشدار داده است که اگر پیشنهادهای اروپا را در مذاکرات هسته ای نپذیرد با احتمال تحریم های سازمان ملل متحد روبرو خواهد شد.

خانم رایس به فاکس نیوز گفت اگر ایران مایل نباشد این پیشنهادهای را بپذیرد آنگاه با شورای امنیت سازمان ملل روبرو خواهد بود.

بریتانیا، فرانسه و آلمان به ایران پیشنهاد امتیازات تجاری کرده اند تا در مقابل ایران از برنامه اتمی خود دست بردارد.

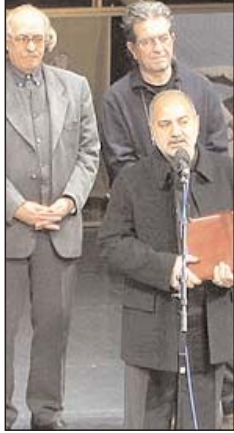
خانم رایس برای دیدار با مقامات اتحادیه اروپا و ناتو در بروکسل به سر می برد. همزمان دونالد رامسفلد در حال مذاکره با وزرای دفاع ناتو در نیس فرانسه است.

صلح در خاورمیانه و مساله برنامه اتمی ایران نیز از دیگر دستورات کارهای وزیر خارجه آمریکا بوده است.

خانم رایس گفت که لازم است حکومت ایران آگاه شو د که گفتگوهای آنان با اروپاییان نوعی مسیر یک طرفه نیست که به آنان اجازه دهد به فعالیت های خود ادامه دهند و باید این مسئله به صراحت به جمهوری اسلامی گوشزد شود.

در همین حال، سرپرست مذاکرات هسته ای ایران و اروپا گفته است که سرنوشت گفتگوهای جاری جمهوری اسلامی و اروپا تا روز جمعه این هفته مشخص می شود. کشورهای آلمان، بریتانیا و فرانسه به مذاکراتی برای قانع کردن ایران در کنار گذاشتن جنبه های حساس

# برگزیدگان جشنواره فیلم تهران یک فیلم سینمایی برنده شش سیمرغ بلورین شد!



با اعلام برگزیدگان جشنواره فیلم تهران (فیجر) -فیلم خیلی دور خیلی نزدیک به کارگردانی رضا میرکریمی 'سیمرغ بلورین بهترین فیلم'، بهترین موسیقی متن، بهترین فیلمبرداری، بهترین صداگذاری، بهترین طراحی صحنه و لباس و بهترین طراحی گریم را بدست آورد.

اسامی کامل برگزیدگان هیأت داوران بخش مسابقه سینمای ایران بدین شرح اعلام می باشد:

بهترین فیلم: 'فیلم خیلی دور خیلی نزدیک به کارگردانی رضا میرکریمی'

بهترین کارگردان: 'مجید مجیدی'

برای فیلم 'بید مجنون'

جایزه ویژه هیأت داوران در بخش کارگردانی: 'به کمال تبریزی'

فیلم یک تکه نان و محمدرضا بزرگ نیا برای فیلم 'جایی برای زندگی'

بهترین بازیگر نقش اول مرد: 'با تقدیر از جهانگیر الماسی برای فیلم 'پشت پرده به پرویز پرستویی'

فیلم 'بید مجنون'

بهترین بازیگر نقش اول زن: 'فرشته صدرعرفایی برای فیلم 'کافه'

بهترین فیلم کوتاه داستانی: 'فیلم تنها صدا به کارگردانی آرمین حشمتی'

## دریچه نیمه باز آزادی در عربستان سعودی

عربستان سعودی برای اولین بار در طول تاریخ خود در حال برگزاری انتخابات شوراهای شهر است.

این انتخابات در تمامی شهرهای عربستان سعودی برگزار می شود و بخشی از اقدامات دولت این کشور در اجابت تقاضاهای مربوط به اصلاحات مردمسالارانه است.

بی بی سی می گوید لژ زمان واقعه یازدهم سپتامبر، دولت آمریکا نیز رژیم سعودی را برای اصلاحات تحت فشار قرار داده است.

با این حال، تنها مردان در انتخابات شوراهای عربستان سعودی شرکت می کنند و رأی گیری ابتدا در ریاض، پایتخت برگزار می شود در دیگر شهرهای عربستان سعودی، انتخابات شوراهای طی دو ماه آینده برگزار می شود.

تنها نیمی از اعضای هر شورا را مردم انتخاب می کنند و بقیه اعضا انتصابی اند.

همچنین، تنها یک چهارم از افراد واجد شرایط در انتخابات شرکت کرده اند، چراکه بقیه برای شرکت در انتخابات ثبت نام کرده بودند.

دلایل این عدم شرکت از سویی به مخالفت مردم با انتخابات نسبت داده می شود و از سوی دیگر نیز سردرگم به نظر می رسند.

## اخراج یک پناهجوی ۶۲ ساله از سوئد!

به گزارش رادیو فردا: دولت سوئد یک مرد ۶۲ ساله ایرانی به نام اسماعیل خلیل را به فرودگاه منتقل می سازد تا او را با پرواز هواپیمائی جمهوری اسلامی از سوئد اخراج کند.

خلیل یکی از تظاهرکنندگانی بود که سال گذشته برای اعتراض به احکام اخراج خود از سوئد لب های خود را با سوزن نخ به هم دوخته بودند، ولی اجازه دوختن لب ها به وی داده نشده بود.

اسماعیل که سن تر از سنش می نماید و هشت ماه با یک کیسه خواب در یک جنگل سوئد زندگی کرد، و در سوئد او را پیرجنگل می نامند.

برای اعتراض به اخراج او ۴۵ تن در برابر اداره امور اتباع سوئد جمع شدند ولی ماموران او را به فرودگاه منتقل کردند.

زینت هاشمی، خبرنگار و مسئول بخش فارسی رادیو دولتی سوئد، در مصاحبه با رادیو فردا می گوید هوا بسیار سرد است و برف می بارد و انتظار جمع شدن این عده در برابر اداره امور اتباع بیگانه نمی رفت. وی می افزاید: دو تن از مسئولان این اداره گفتند اگر مدرک جدیدی به نفع خلیل دارند باید ارائه شود زیرا براساس پرونده موجود تصمیم به اخراج او گرفته شده است. وی می افزاید افراد حاضر مدارک جدیدی ارائه دادند. وی می گوید جمعی نیز عازم فرودگاه شدند تا مانع برگردان وی به ایران شوند.

در این مراسم هیات داوران بخش فیلم های اول و دوم برگزیدگان خود را به این شرح اعلام کرد:

بهترین کارگردان فیلم اول و دوم: 'دیپلم افتخار به بیژن میرباقری'

برای فیلم ماه هم خوبیم و سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی فیلم اول و دوم به فیلم مرزی برای زندگی به کارگردانی رضا عظیمیان

همچنین در این مراسم برگزیدگان بخش سینمای مستند نیز به این شرح اعلام شد:

دیپلم افتخار بهترین تحقیق و پژوهش به ارود عطارپور و وحید باقرزاده برای فیلم منم

داریوش

دیپلم افتخار بهترین فیلم مستند به فیلم پس از برقع به کارگردانی

مهرداد اسکویی

سیمرغ بلورین بهترین فیلم مستند ساخته مردم و پاره های آهن

ساخته ماجد نیسی

گفتنی است سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه مردم نیز به فیلم 'بید مجنون ساخته مجید

مجبیدی تعلق گرفت.

# یک کلام

وزیر خارجه آمریکا گفت: رژیم جمهوری اسلامی ایران بزرگترین مانع ایجاد صلح در خاورمیانه است. چون از گروه های تروریستی فلسطینی حمایت می کند.

- بجزه با شیوه خود جمهوری اسلامی با آنها مقابله شود!

تحریم!

گزارشگر سازمان ملل خواستار رفع تبعیض علیه زنان ایران شد.

- شرط این که حاج خانم های منازل و هوهای آنان، سردمداران رژیم، رختخواب را برای آنها تحریم کنند!

صدای غیبی: آنها حتی حال ما از «صیغه» برای رفع دلنگی های جنسی استفاده می کنند چه بسود که تحریم هم بشوند!

مشاخره!

سایت اینترنتی دریچه اطلاع داد در هفته های اخیر در جلسه وزیران اغلب میان وزرای خاتمی مشاخره های لفظی بوده است!

- بی لیاقتی هایشان را می خواهند به گردن یکدیگر بیندازند!

- آخرین روزهای وداع با صندلی وزارت، آمیزه ادا کج خلق می کند! اولویت!

حجت الاسلام حسن یوسف اشکوری پس از آزادی از زندان گفت: احکام اسلامی برای ابد معتبر نیست و باید طبق نیازهای زمان تغییر یابد.

- اول بفرمائید که آقایان دست از دامن پیتاره خانم قدرت حکومت بردارند و خود بخود خیلی احکام، امروزی می شود!

# کارخانه فروش شویی تهران

ارایه یک سرویس خوب از ما، پشتیبانی شما از کار ما در بر دارد



# INCLUDING UNLIMITED Mobile-to-Mobile Minutes and Unlimited Nights and Weekend Minutes

*On GSM Nation \$49.99 and higher.*

Mobile-to-Mobile minutes will apply to FamilyTalk Plans on Primary Line activations/migrations only.  
Mobile-to-Mobile minutes will be shared by the FamilyTalk group.  
Mobile to Mobile offer requires 1 or 2 year service agreement.

Your anytime minutes Rollover<sup>SM</sup> on GSM Nation plans \$39.99 and higher  
[Rollover<sup>SM</sup> does not apply to Mobile-to-Mobile or Night & Weekend minutes]



Motorola V3



Motorola V220



LG C1300



**Car Phone Factory**



1107 S. Robertson BLVD.  
Los Angeles, CA 90035

PH: (310) 724 8181  
www.carphonefactory.com

\*Cingular also imposes the following charges: a Regulatory Cost Recovery Fee of up to \$1.25 to help defray its costs incurred in complying with obligations and charges imposed by State and Federal telecom regulation, a gross receipt surcharge, and State and Federal Universal Service charges. The Regulatory Cost Recovery Fee is not a tax or a government-required charge.

**Limited-time offer expires 2/12/05.** Other conditions and restrictions apply. See contract and rate plan brochure for details. U to \$36 activation fee applies. \$18 activation fee per line for 2 or more FamilyTalk lines. Phone price and availability may vary by market. Coverage is not available in all areas. See coverage map at stores for details. **Sales tax** calculated based on price of unactivated phone. **Billing:** Airtime and other measured usage are rounded up to the next full minute or kilobyte, at the end of each call or data session respectively, for billing purposes. **Phone Return Policy/Early Termination Fee:** No early termination fee if service canceled within 30 days of purchase; \$150 thereafter. Independent agents may impose additional equipment-related charges. In addition to the \$150 early termination fee, the Cingular authorized agent running this ad also imposes an equipment charge of \$200 if service is cancelled more than 30 but less than 180 days after activation. **Cingular Nation:** Cingular reserves the right to terminate your service if less than 50% of your usage over three consecutive billing cycle is on Cingular-owned systems. Customer must (1) use phone programmed with Cingular Wireless' preferred roaming database (2) have a mailing address and live in the area in which subscription is made. **Nights and Weekends:** Night hours are 9 pm to 7 am Monday to Friday, and weekend hours are 9 pm Friday to 7 am Monday. **Mobile to Mobile:** You can now use the mobile to mobile service included with your plan to reach 46 million people. Unlimited nationwide mobile to mobile calling is available with select GSM Nation plans. Mobile to mobile offer available on plans \$39.99 and higher and requires a one-year service agreement. **FamilyTalk: \$9.99** FamilyTalk lines available with plans starting at \$59.99. All lines on account share primary line allowances. Maximum of 3 additional lines, and all lines must be on the same billing account. **Rollover Minutes:** Unused anytime minutes expire after the 12th billing period. Night and Weekend and Mobile to Mobile Minutes do not roll over. Cingular Wireless is a registered trademark. The graphic icon and Rollover are Service Marks of Cingular Wireless LLC. ©2005 Cingular Wireless, LLC.

در دفتر ایام

روزگار گذشته است اما برای هر کدام از شخصیت هایی که نطق تپه می کرد، یکی دوروزی در اقلی خلوت و محرمانه، نه می نشستیم و آن شخصیت نطق را چندین بار می خواند و من مانند یک کارگردان، آتچایی ها که باید صدا بالا رود یا صدا پایین آید یا صدا ناگهانی روی جمله و معنا بگذارد، تذکر می دادم. در واقع تمرین نطق در اقلی درسته، قبل از اجرا. شبی که قرار بود فردایش پادشاه قید برای افتتاح کارخانه موتورسازی یابید، رانده محروم حسین دانشور به در خانه من آمد. پاسی از شب گذشته بود و گفت « آقا فرموده اند شما را بزم هتل میوتون» متعجب از این که چرا بخود من تلقین شده است تا خودم بروم، سوار اوتومبیل شدم و به هتل میوتون رفتم. محروم «ظروفی» مدیر شب هتل میوتون تهران که در ضمن برای سواک هم کار می کرد، مرا می شناخت و یکسره مرا به «سوئیٹ» حسین دانشور راهنمایی کرد. دیدم مشغول تمرین نطق است. وقتی رسیدم با خنده گفت « بعضی از مسائل را تلقین نمی شود گفت. می دانی که دیوار موش داره و موش هم گوش داره» متوجه منظورش شدم. نشستیم او گفت می خوام یک جمله در این نطق به کنجانی و آتیم اینست که اگر روزی در این مملکت انقلاب اتفاق یافتد، نسل های آینده بزرگان امروز این مملکت را نخواهند بخشید! حیرت زده گفتم فریاد کردم، چنین حرفی را که نمی شود جلوی پادشاه مملکت زد! گرفتاری درست می شود. خواهش می کنم کمی فکر کنید. امرا کرد که نه همین که می گویم بنویس. یک جوری یک جمله ای

حرف های روز

انقلاب اسلامی بوده و هست - سوئی داد. پایه و آرمان انقلاب اسلامی، جهانشمولی است و هدف آن فقط استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بوده است... امروز پتانسیل عظیمی در دنیای اسلام آماده جیش است که نیازمند یک دولت حزب الهی و ولایی است» می گفت: همه میرند به جنگ هو، تو کجا میری پدال کور؟! ملاحظه می فرمائید در این دنیایی که «جیش نیروی عظیم اسلامی» به صورت تروریسم باعث آبروریزی اسلام شده، حالا آدمیزاد یک طویله خری پیدا می شود که در مقام شهرداری تهران وبا ادعای ریاست جمهوری می خواهد انقلاب امام خمینی را «جهانشمول کند».

می بینید که بدبختی مردم یکی و دوتا و صدتا نیست. هفت شهر عشق را عطار گشت/ ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم- وقتی کیاست و تدبیر و رایزنی رهبر معظم، دبیرشورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، «فیلسوف سلطان ریاست جمهوری» و دیگران چنان باشد که می شنویم و خوانده ایم، چنین گزاره گویی هایی از شهردار تهران هم جای تعجب ندارد. جایی که شتر بود به صنار، خر قیمت واقعی ندارد!

حمایت جانانه با غرض و مرض! هموطنی که گویا پدرش یا عمویش عضو حزب توده ایران در آن سال های دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۴ و بعدها بوده، در هر حال سنش به حضور در خیلی از وقایع لاقل دوسه دهه پیش از انقلاب قد نمی دهد(ولی تمام کتب رهبران پر مدعای حزب توده را خوانده) مرتب تلفن می زند یا فاکس می فرستد که انگار این بنده با حزب توده «پدرکشتگی دارم. در حالی که این حزب، اثری که در نسل جوان، روشنفکر استادان دانشگاه و غیره پس از ۱۳۲۰ که بعد گذاشته است، بالاترین اهمیت ولی قابل مطالعه و بازنگری است.

اگر باید دوباره تاریخ یک صدساله ایران را نوشت. حتما باید مبالغی از آن تاریخ را از ادعاها، دروغ ها و شایعه پردازی ها و غرض و مرض دستگاره رهبری حزب توده و با القانات سفارت شوروی و کا. گ. ب. پاک کرد.

این هموطن گرایی حتی در باغ وقایع ۲۶ سال پیش هم نیست و یکی منکر نقش مؤثر حزب توده در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و پس از آن در

دروود انقلاب و خیانت رجال به نسل های آینده بنویس. مطلب را گرفت و خواندم و فکر کردم و دوباره گفتم « فدائیان شوم، دستم نمی رود، دلم نمی رود. این حرف سنگین و سیهگین است - می ترسم هم شما کار دست خواندن بدید و هم آزار، سر، کاسه کوزه ها سر من بشکند از بود اصرار و از من انکار بالاخره گرفت» قاضی سعید جان، به تو اعتماد دارم. امتحان خودت را پس داده ای. این را خود ارباب دستور داده است در نطقم بگویم. تو که می دانی من هر نطقی که می خوامم در برابر ارباب بکنم قبل بنظرش می رسانم!

تا فراموش نکرده ام برای آندسته از خوانندگان عزیز که «ارباب» را نمی شناسند بگویم که همه ی درباری ها در محاورات خصوصی از پادشاه به عنوان ارباب یاد می کردند. حیران و تکران گفتم واقعا؟ فرماید! بطور جدی پاسخ داد بله! مگر من تاکنون چیزی را به تو عوضی گفتم!؛ نطق را گرفتیم و احساسات کامل، همه ی آن چه که در بنامت بود بکار گرفتیم و جمله ای نوشتیم که در چند این روزها دقیقا به یاد نمی آورم، اما یقین دارم که فیلم مراسم آن روز و نطق حسین دانشور هنوز هم در بسیاری از آرشوها باید موجود باشد. نوشتیم: آقای وزیر دربار! آقای نخست وزیر! آقایان وزرا! آقایان رجال مملکت، کارگزاران ان چرخ های مملکت، صاحبان صنایع، مدیران اقتصادی، امروز من از سوی این کارگران شریف و نجیب وزحمکش وفادار، در پیشگاه خداوند تعال و در پیشگاه رهبر عظیم الشان مملکت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریه ره به صراحت اعلام می دارم که اگر خدای ناکرده در فریاد این مملکت انقلابی روی دهد، تمام دست آوردهایی که با رهبری های دایمانه پلر ملت ایران شاهنشاه آریه ره به دست آمده، بر باد خواهد رفت و

معرفی و سرکوب مخالفان رژیم است و حکومت استبدادی فعلی را حاصل مشارکت و مساعدت دو نیروی مذهبی و راست (مجاهدین خلق و فدایی) و هم چنین (آخوندهای تندرو) می داند و تاکید می کند که حزب توده سعی داشت که به بی سرو سامانی انقلابی پایان دهد!

گو این که شاید رفقای توده ای این بنده رحمان هاتقی، محمدمعلی جعفری، سیاوش کسریایی، محمد زهری و دوستانی دیگر، به «خدایابامرزی» احتیاج و اعتقادی نداشته باشند ولی ایشان در کنار کادر رهبری حزب فعالانه دست اندرکار ماله کشی روی خرابی های جمهوری اسلامی و حمایت از امام- پشتیبانی از اعدام ها، بودند، ضمن این که زیر جلگی توسط ناخدا افضلی قصد کودتای نظامی هم داشتند.

اگر سازمان مجاهدین خلق، سازمان فدائیان خلق، حزب کمونیستی رنجبران، خیلی زود رژیم و انقلاب آخوندی را رها کردند(لااقل چفت و بست های آن را سفت نمی کردند) ولی حزب توده به دنبال فرامین حزب کمونیست شوروی با وانمود کردن از این که رژیم را حمایت می کند، حتی شیخ صادق خلخالی جلال قسی القلب را هم کاندیدای ریاست جمهوری کرده بود.

با این که در سال ۱۳۶۱ یا ۶۲ آخوندها بالاخره اکثرتوده ای های مؤثر را هم به دام انداختند و به فریبکاری طرفین خاتمه داده شد ولی هنوز عده ای از توده ای های قدیمی در نهادهای مختلف رژیم جاسازی شده اند و عده ای از آن ها هنوز باورهای قدیم و اشتباه آمیز حزب توده در زمان دکتر مصدق، پس از آن و دوران انقلاب اسلامی را متعصبانه پذیرفته اند و به آن وفا دارند و از جمله دوست شاعر ما «نصرت الله نوح» که در نشریه پژواک شمال کالیفرنیا، گاهی اوقات مطالب روانه مردم. بسوی آینده شهپاز مصلحت. آن زمان ها و دوران انقلاب را دوبار رونویسی می کنند. شاعران توده ای «متأسفانه سیاوش کسریایی» در روزنامه مردم، هر روز عینشو سرمقاله یک شعر چاپ می کردند آن هم در عظمت انقلاب که الان به همه آنها دسترسی ندارم ولی به یکی از آنها که از غزلسرای خوب ما «مشفق کاشانی» و عضو قدیمی حزب توده ایران است نقل می کنم و ختم مقال

انقلاب ما تا جلوه گر شد از شب غم، آفتاب ما / سرزد سیده ی سحر از انقلاب ما / بس عمر ها که طی شد، بس دیده شد

آوقت تمام نسل های آینده شما را خائن به مملکت و خائن به مردم این مملکت خواهند ساخت... چیزی در این حد و حدود... تا پاسی از شب گذشته، حک و اصلاح و تمرین مطلب بطول انجامید و سپس من خداحافظی کردم و فرار شد، ساعت شش صبح روز بعد در محوطه کارخانجات ایران ناسیونال، حاضر باشم. حسین دانشور را عادت بر این بود که از نطقی که می خواست آن خواست انجام دهد، چند نسخه تهیه می کرد. نسخه ای نزد خودش می ماند، نسخه ای را من نزد خود نگه می داشتم، نسخه ایی را به شخصی سوئی می داد که در آن روز بخصوص این شخص سوم باغیان محوطه کارخانجات ایران ناسیونال بود که خود او هم داستان جداگانه جالبی دارد که چطور شد و چه اتفاقی افتد که یک روز بجای این که محروم احمد خیامی، در اوتومبیل رولز راجز کنار دست پادشاه قید بنشیند آن باغیان نشست. بگذریم، از لحظه ای که وارد کارخانجات ایران ناسیونال شدم، محروم احمد خیامی از من سؤال کرد، برای کجاست؟ چه کار می کنی؟ پاسخ دادم همان حرف هایی که صحبت کرده بودیم! تلاش برای این که نسخه ایی از نطق حسین دانشور را بدست آورند تا لحظه ورود پادشاه ادامه داشتم! بگذریم که درست در آخرین لحظات سرهنگ جهان زینی که مرا هم خوب می شناخت به دلیل اتفاقی که افتاد، طبق مقررات، مرا در یکی از توالت های محوطه زندانی کردند! تا مراسم پایان یافت که باز خود آن ماجرا هم خاطره دیگری دارد که بعدها موجب شادی و خنده دانشور و خیامی ها و سایر کسانی که از موضوع مطلع شده بودند، می شد. اما حسین دانشور نطق خود را با قدرت انجام داد در واقع ده سال به انقلاب

سید/تا از حجاب ابر دمید آفتاب ما / هر سطر، سطر مردمی از فصل خون بخوان / ای رهنورد عشق و جنون، در کتاب ما / این موج، موج خندهای تندرو می داند و دار / هزار هزار زمزم و کوثر سراب ما / ظلمت شکار، قیغ سخن برکش از نیام / کاین جا گذشت خون شهید از رنگاب ما / تاب تحمل از تن دشمن گرفته شد / ر انقلاب بهم، تا بازتاب ما / خط امام، خط امن است و رهگشای ای / چشم بد به دور، از این فتح باب ما / (مشفق کاشانی)

معرفی و سرکوب مخالفان رژیم است و حکومت استبدادی فعلی را حاصل مشارکت و مساعدت دو نیروی مذهبی و راست (مجاهدین خلق و فدایی) و هم چنین (آخوندهای تندرو) می داند و تاکید می کند که حزب توده سعی داشت که به بی سرو سامانی انقلابی پایان دهد!

گو این که شاید رفقای توده ای این بنده رحمان هاتقی، محمدمعلی جعفری، سیاوش کسریایی، محمد زهری و دوستانی دیگر، به «خدایابامرزی» احتیاج و اعتقادی نداشته باشند ولی ایشان در کنار کادر رهبری حزب فعالانه دست اندرکار ماله کشی روی خرابی های جمهوری اسلامی و حمایت از امام- پشتیبانی از اعدام ها، بودند، ضمن این که زیر جلگی توسط ناخدا افضلی قصد کودتای نظامی هم داشتند.

اگر سازمان مجاهدین خلق، سازمان فدائیان خلق، حزب کمونیستی رنجبران، خیلی زود رژیم و انقلاب آخوندی را رها کردند(لااقل چفت و بست های آن را سفت نمی کردند) ولی حزب توده به دنبال فرامین حزب کمونیست شوروی با وانمود کردن از این که رژیم را حمایت می کند، حتی شیخ صادق خلخالی جلال قسی القلب را هم کاندیدای ریاست جمهوری کرده بود.

با این که در سال ۱۳۶۱ یا ۶۲ آخوندها بالاخره اکثرتوده ای های مؤثر را هم به دام انداختند و به فریبکاری طرفین خاتمه داده شد ولی هنوز عده ای از توده ای های قدیمی در نهادهای مختلف رژیم جاسازی شده اند و عده ای از آن ها هنوز باورهای قدیم و اشتباه آمیز حزب توده در زمان دکتر مصدق، پس از آن و دوران انقلاب اسلامی را متعصبانه پذیرفته اند و به آن وفا دارند و از جمله دوست شاعر ما «نصرت الله نوح» که در نشریه پژواک شمال کالیفرنیا، گاهی اوقات مطالب روانه مردم. بسوی آینده شهپاز مصلحت. آن زمان ها و دوران انقلاب را دوبار رونویسی می کنند. شاعران توده ای «متأسفانه سیاوش کسریایی» در روزنامه مردم، هر روز عینشو سرمقاله یک شعر چاپ می کردند آن هم در عظمت انقلاب که الان به همه آنها دسترسی ندارم ولی به یکی از آنها که از غزلسرای خوب ما «مشفق کاشانی» و عضو قدیمی حزب توده ایران است نقل می کنم و ختم مقال

انقلاب ما تا جلوه گر شد از شب غم، آفتاب ما / سرزد سیده ی سحر از انقلاب ما / بس عمر ها که طی شد، بس دیده شد

آوقت تمام نسل های آینده شما را خائن به مملکت و خائن به مردم این مملکت خواهند ساخت... چیزی در این حد و حدود... تا پاسی از شب گذشته، حک و اصلاح و تمرین مطلب بطول انجامید و سپس من خداحافظی کردم و فرار شد، ساعت شش صبح روز بعد در محوطه کارخانجات ایران ناسیونال، حاضر باشم. حسین دانشور را عادت بر این بود که از نطقی که می خواست آن خواست انجام دهد، چند نسخه تهیه می کرد. نسخه ای نزد خودش می ماند، نسخه ای را من نزد خود نگه می داشتم، نسخه ایی را به شخصی سوئی می داد که در آن روز بخصوص این شخص سوم باغیان محوطه کارخانجات ایران ناسیونال بود که خود او هم داستان جداگانه جالبی دارد که چطور شد و چه اتفاقی افتد که یک روز بجای این که محروم احمد خیامی، در اوتومبیل رولز راجز کنار دست پادشاه قید بنشیند آن باغیان نشست. بگذریم، از لحظه ای که وارد کارخانجات ایران ناسیونال شدم، محروم احمد خیامی از من سؤال کرد، برای کجاست؟ چه کار می کنی؟ پاسخ دادم همان حرف هایی که صحبت کرده بودیم! تلاش برای این که نسخه ایی از نطق حسین دانشور را بدست آورند تا لحظه ورود پادشاه ادامه داشتم! بگذریم که درست در آخرین لحظات سرهنگ جهان زینی که مرا هم خوب می شناخت به دلیل اتفاقی که افتاد، طبق مقررات، مرا در یکی از توالت های محوطه زندانی کردند! تا مراسم پایان یافت که باز خود آن ماجرا هم خاطره دیگری دارد که بعدها موجب شادی و خنده دانشور و خیامی ها و سایر کسانی که از موضوع مطلع شده بودند، می شد. اما حسین دانشور نطق خود را با قدرت انجام داد در واقع ده سال به انقلاب

سید/تا از حجاب ابر دمید آفتاب ما / هر سطر، سطر مردمی از فصل خون بخوان / ای رهنورد عشق و جنون، در کتاب ما / این موج، موج خندهای تندرو می داند و دار / هزار هزار زمزم و کوثر سراب ما / ظلمت شکار، قیغ سخن برکش از نیام / کاین جا گذشت خون شهید از رنگاب ما / تاب تحمل از تن دشمن گرفته شد / ر انقلاب بهم، تا بازتاب ما / خط امام، خط امن است و رهگشای ای / چشم بد به دور، از این فتح باب ما / (مشفق کاشانی)

معرفی و سرکوب مخالفان رژیم است و حکومت استبدادی فعلی را حاصل مشارکت و مساعدت دو نیروی مذهبی و راست (مجاهدین خلق و فدایی) و هم چنین (آخوندهای تندرو) می داند و تاکید می کند که حزب توده سعی داشت که به بی سرو سامانی انقلابی پایان دهد!

گو این که شاید رفقای توده ای این بنده رحمان هاتقی، محمدمعلی جعفری، سیاوش کسریایی، محمد زهری و دوستانی دیگر، به «خدایابامرزی» احتیاج و اعتقادی نداشته باشند ولی ایشان در کنار کادر رهبری حزب فعالانه دست اندرکار ماله کشی روی خرابی های جمهوری اسلامی و حمایت از امام- پشتیبانی از اعدام ها، بودند، ضمن این که زیر جلگی توسط ناخدا افضلی قصد کودتای نظامی هم داشتند.

اگر سازمان مجاهدین خلق، سازمان فدائیان خلق، حزب کمونیستی رنجبران، خیلی زود رژیم و انقلاب آخوندی را رها کردند(لااقل چفت و بست های آن را سفت نمی کردند) ولی حزب توده به دنبال فرامین حزب کمونیست شوروی با وانمود کردن از این که رژیم را حمایت می کند، حتی شیخ صادق خلخالی جلال قسی القلب را هم کاندیدای ریاست جمهوری کرده بود.

با این که در سال ۱۳۶۱ یا ۶۲ آخوندها بالاخره اکثرتوده ای های مؤثر را هم به دام انداختند و به فریبکاری طرفین خاتمه داده شد ولی هنوز عده ای از توده ای های قدیمی در نهادهای مختلف رژیم جاسازی شده اند و عده ای از آن ها هنوز باورهای قدیم و اشتباه آمیز حزب توده در زمان دکتر مصدق، پس از آن و دوران انقلاب اسلامی را متعصبانه پذیرفته اند و به آن وفا دارند و از جمله دوست شاعر ما «نصرت الله نوح» که در نشریه پژواک شمال کالیفرنیا، گاهی اوقات مطالب روانه مردم. بسوی آینده شهپاز مصلحت. آن زمان ها و دوران انقلاب را دوبار رونویسی می کنند. شاعران توده ای «متأسفانه سیاوش کسریایی» در روزنامه مردم، هر روز عینشو سرمقاله یک شعر چاپ می کردند آن هم در عظمت انقلاب که الان به همه آنها دسترسی ندارم ولی به یکی از آنها که از غزلسرای خوب ما «مشفق کاشانی» و عضو قدیمی حزب توده ایران است نقل می کنم و ختم مقال

انقلاب ما تا جلوه گر شد از شب غم، آفتاب ما / سرزد سیده ی سحر از انقلاب ما / بس عمر ها که طی شد، بس دیده شد

خبرهای روزبه روایت تصویر



الین مک آرتور پس از شکستن رکورد پیمودن دور دنیا با یک فروند قایق بادبانی، آن هم پیکه و تنه، در میان استقبال هموطنانش به بریتانیا بازگشت و لقب سلطنتی بانو(DAME) را دریافت کرد. خانم مک آرتور ساعت ده و نیم دوشنبه شب (به وقت گرینویچ) از خط پایان گذشت و سفر دریایی ۲۷ هزار مایلی خود را در ۷۱ روز و ۱۴ ساعت و ۱۸ دقیقه و ۳۳ ثانیه تکمیل کرد. بدین ترتیب، وی توانست رکورد پیشین را که در فوریه ۲۰۰۴ توسط یک فرانسوی به نام فرانسیس ژویون به ثبت رسیده بود، حدوداً ۳۳ ساعت کاهش دهد. ملکه و نخست وزیر بریتانیا از جمله نخستین شخصیتهایی بودند که برای این دریاپلور ۲۸ ساله پیام تبریک فرستادند. ملکه الیزابت ضمن ابراز گرمترین تبریکها لقب بانو الین مک آرتور را به وی اعطا کرد.



پرنس چارلز، ولعهد برتانا، در ۸ آورل با او و عشق درنه خود کاملاً پارکر بولز در کاخ وندزور در لندن ازدواج خواهد کرد. ان زوج نخستین بار در سال ۱۹۷۱ با همدگر آشنا شدند و رابطه شان حت پس از ازدواج پرنس چارلز با پرنسس دانا ادامه داشت. پرنسس دانا که در سال ۱۹۹۷ در ک ساخنه راندنگ در پارس جان سپرد، در مصاحبه معروف گفته بود که خانم پارکر بولز ک از عوامل فروپاش ازدواجش بوده است. انتظار م رود ازدواج تازه ولعهد برتانا به مساله حساس تبدیل شود، زرا خانم پارکر بولزطلاق گرفته و همسر سابقش هنوز زنده است.

MGA Investigative Services (کارآگاه خصوصی) با ۲۳ سال تجربه در خدمات کاملاً محرمانه بافتن افراد مورد نظر شما در سراسر آمریکا روشن کردن سابقه ی افراد مورد نظر شما در تمام زمینه ها مشخص کردن اموال، املاک و دارایی افراد مورد نظر تنظیم و نصب دستگاه های ناظر (Surveillance) تلفن تماس برای آگاهی بیشتر و مشاور رایگان Lic:15568 مشاوره فارسی ۱۵۲۶ - ۳۶۶ (۷۱۴) English Consultant ۵۳۷۴-۶۶۴ (۸۷۷)

دکتر طنز کاهن کلیه سرویس های پزشکی شامل آزمایش خون، آزمایش پوکی استخوان و جراحی های سربایی در مطب انجام می شود تلفن: ۶۷۷۵-۵۰۱ (۸۱۸)

Shir International Majid Barghi & Son's Company خدمات ساختمانی و مدیریت آپارتمان بیلدینگ WWW.shir-international.com

مصطفی آلبوم جدید مصطفی پیام عشق بخش از ام زی ام رکورد ۱۱۵۹-۷۰۰-۸۱۸

آرایشگاه علی در ولی ۲۴۰۰-۳۴۴ (۸۱۸)

انجام هر نوع کارهای ساختمانی داخل و خارج، بزرگ و کوچک در هر نقطه از لس آنجلس باقیمت بسیار مناسب و کیفیت کار عالی با گارانتی صد درصد Pager ۳۱۶۰-۹۷۸ (۳۱۰) Office ۹۴۰۸-۶۶۴ (۳۱۰) Cel ۵۹۴۱-۶۷۸ (۳۱۰)

ماساژ توسط زیبای ایرانی مر سده ۳۰۵۲-۳۴۵ (۸۱۸)

هاتون مارکت اولین و بزرگترین فروشگاه ایرانی در جنوب لس آنجلس مواد غذایی، شیرینیجات (310)373 4448 24202 Hawthome Blvd, Torrance, CA 90505

رستوران حاتم شماره یک با غذاهای خوشمزه ایرانی (714)991 6262 1112 N. Brookhuerst St. Anaheim, CA 92801

سوپر شایان به واقع بازار تهران را برای شما تداعی میکند محل فروش گوشت حلال و سایر نیازمندیهای شما با بهترین کیفیت و ارزان ترین قیمت ۳۸۱ پاسیفیک کوست هایووی در شهر تورنس ۵۵۹۷-۳۷۵-۳۱۰

محض اطلاع

گفته ها

محض اطلاع

شنیده ها

محض اطلاع

خواننده ها



من آزاد شدم!

یکی از اخبار جالب هفته گذشته خلاصی همیشگی «افسانه نوری» بعد از ۸ سال زندان بود که به آغوش فرزندان و همسرش بازگشت و هنگام آزادی با استقبال زنان زندانی و هم چنین در محله اشان با شور و شوق فراوانی روبرو شد.

بی جویی یک کارشناس جنایی!

در این زمینه باید اشاره به دفاع سرهنگ بهنام ذوقی کرد که یکی از کارآگاهان با تجربه جنایی در ۲۵ سال گذشته است و در پرونده «افسانه» به عنوان کارشناس جنایی نیروی انتظامی از ابتدای وقوع قتل،

نوعی برنزه شدن!

اندر ووالم جوك های یخچالی گفته شده که یک زیتون سبز از یک زیتون سیاه پرسید:

نصایح تو دهنی!

انقذه برنزه شدنی؟! متباب نصیحت، یکی فرمایشات

داشت که زندگی بدون هدف مثل مسواک زدن بدون خمیر دندان است. ولی نفرمودند که زندگی بدون پول مثل خلال کردن دندان است بدون این که طعمی خورده باشی!

اوکین و دومین!

در اسکاندیناوی و آنطرف ها یک گروهان ده ماه توی کوه و میان برف و یخ مأموریت داشتند تا بالاخره موقع مرخصی رسید. فرمانده از آنها سان دید و از افسری پرسید: بعد از ده ماه امشب که به خونه می رسی، اوکین کاری که می کنی چیه؟ افسر سرخ و سفید شد و ساکت ماند. فرمانده گفت: خوب نمی خواد جواب بدی، دومین کاری که می کنی چیه؟

افسر فی الفور گفت: قربان پوتین پامو از پام بیرون می آرم!

سبب کرمو!

پسری به میلی گفت: سببو اینطوری گاز زنن، مواظب کرم اون تو باشی! میلی گفت: به من چه، آقا کرمه باید مواظب باشه که من نخورمش!



ازدواج و دوستان!

عروس و داماد امریکایی به ماه عسل رفته بودند و پس از سیر و سیاحت کامل خانم عروس رو کرد به داماد و گفت: آیا دوستانت به خاطر ازدواج تو با من، بهت تبریک نگفتند؟ داماد گفت: فراوان، حتی به خاطر ازدواج روبرویمان محشری به پا بود!

میشین رنج مارکت
فروشگاه گوشت، سبزیجات
میوه تازه و دلی
آدرس: ۲۳۱۰۶ نس آلبوس
در شهر میشین ویوهو
تلفن: ۵۸۷۹۰-۷۰۷-۹۴۹

رستوران هاتم
میشین ویهو
(949) 768 0122
24000 Alicia Parkway, #28

آرتریا مارکت
در شهر رود آندوبیج عرضه کننده انواع میوه، سبزیجات تازه
همه روزه به قیمت ارزان
مرکز پخش گوشت حلال، مواد غذایی
2322 ARTESIA BLVD
Redondo Beach, CA 90278
(310) 376-0043



واکنش روزنامه های بحرینی نسبت به بازی با ایران

روزنامه ایوم ریاضی چاپ بحرین روز پنجشنبه به نقل از رییس فدراسیون فوتبال این کشور نوشت تیم بحرین با تحت فشار قرار دادن تیم ایران کنترل بازی را در اختیار گرفت.

اظهار نظر سایت کنفدراسیون

سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا روز پنجشنبه طی گزارشی در مورد دیدار بدون گل تیمهای ملی فوتبال ایران و بحرین نوشت: تیم ایران این دیدار را با قدرت آغاز کرد و حمله علی کریمی بهترین بازیکن سال ۲۰۰۴ آسیا در دقیقه دوم، حسن علی، سنگریان بحرین را برای نجات دروازه اش به زحمت انداخت. به نوشته این سایت، همانگونه که انتظار میرفت برانکو ایوانکوویچ، سرمربی کروات تیم ایران، قدرتمندترین ترکیب خود را با حضور بازیکنانی از بوندسلیگا به میدان فرستاد که در میان آنان مهدی مهدوی کیا (بهترین بازیکن آسیا سال ۲۰۰۳) از باشگاه هامبورگ، وحید هاشمیان از بایرن مونیخ و فریدون زندی از کایزرزلاترن حضور داشتند. با این وصف هیچیک نتوانستند گل پیروزی برای ایران را به ثمر رسانند. این سایت در ادامه افزود: بهترین قرار دارد.

دورقیب جان دریک قالب



سر نوشت تیم ملی ایران دست برانکو ایوانکوویچ است اما یک کروات دیگر هم می تواند در تقدیر ایران دست ببرد. «سرچکو یورچیچ» مربی کروات تیم ملی بحرین کسی که با تمام وجود می خواهد خوشبختی را از ملت ایران بگیرد. یورچیچ یک کروات است اما از سال ۱۹۹۵ به بعد هیچ تیم کروات را رهبری نکرده. الان ۱۰ سالی می شود که سرچکو در کشورهای خلیج فارس مربیگری می کند. مربی تیم جوانان امارات بود و از آنجا به مربیگری تیم ملی امارات رسید. پس از دبی به منامه کوچ کرد تا روی نیمکت الرقاء بحرین بنشیند. دوباره به امارات برگشت و برای ۴ سال مربی الاتحاد و الاهلی امارات بود. شاید علی کریمی به خوبی با

LASER EYE CENTER
Voted #1 4 years in a row for Best Lasik Center
www.lasereyecenter.com
0% Financing Available\*
800-80-LASER 800-805-2737 AE
Custom Cornea/Wavefront Technology
LASIK starting at \$499 per eye \*restrictions apply

OCC Persian Student Society
Presents
A Night of Exotic Belly Dances and World Music
Tsunami Benefit
Saturday, February 12, 2005. Doors open at 8 PM
For more information please call (949) 378-8231 Free Parking
Sponsors: Channel One Satellite TV, Jaam-e-Jam Satellite TV, MTC Satellite TV, NITV Satellite TV, Asre Emrooz Magazine, Javanan Magazine, Super Irvine, Wholesome Choice
Tickets Are available at: Super Irvine (949) 552-8844, Wholesome Choice (949) 551-4111, Crown Valley (949) 340-1010

هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل همیشه
آدرس: وست وود تلفن: ۲۱۲۱-۴۷۰-۳۱۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ ساتنامونیکا